خاقانی در مقبره الشعرای تبریز

بیگدلی، محمد رضا

کشور،به دو سه نفر اکتفا می‏شد و به جای آن،خاقانی‏شناسایی‏ از دیگر کشورهای جهان نیز دعوت می‏شدند؟دعوت این افراد این مطلب را به ذهن متبادر می‏کند که جز در کشور آذربایجان‏ در هیچ کشور دیگری افراد خاقانی‏شناس وجود ندارد؛خامسا،آیا بهتر نبود بخشی از هزینه‏ی اسکان،پذیرایی و ایاب‏وذهاب این‏ بیست نفر صرف اهدای یک جلد مجموعه‏ی مقالات به کسانی‏ می‏شد که مقاله‏های آن‏ها چاپ شده بود؟!

3-2-6-مشکل دیگر،تفاوت و تبعیض بین افراد دانشگاه‏های دور و نزدیک بود.درحالی‏که برای اکثر افراد بلیط رفت‏وبرگشت خطوط هوایی تهیه و تدارک دیده شده بود، استادان برجسته‏ی دانشگاه‏های کوچک به بهانه‏ی نزدیکی راه‏ از هرگونه تسهیلاتی در امر ایاب‏وذهاب محروم شده بودند،در حالی‏که هزینه‏ی تمام این افراد به اندازه‏ی بلیط دو سره‏ی‏ هواپیمای دو نفره نمی‏شد و این در حالی بود که مقالات این افراد از بهترین مقالات ارائه شده بود؛مسلما این‏گونه برخوردها، حضور این افراد را در نشست‏ها و همایش‏های دیگر بسیار کم‏رنگ‏تر خواهد کرد.

4-نتیجه‏گیری

بررسی دیدگاه‏های مختلف اندیشمندان پیرامون‏ گنجینه‏های علمی-ادبی در سراسر پی‏گیری می‏شود و در خصوص بزرگداشت مفاخر گذشته،گوشه‏یی از دین‏ها ادا می‏شود،کما این‏که همایش خاقانی به همین مناسبت تدارک‏ دیده شده و انصافا صرف نظر از نقاط قوّت و ضف آن،در نوع‏ خود کم‏نظیر بود.اما به‏هرحال باید پذیرفت که لازم است از منظری به همراه یادآوری نقاط قوت و سعی در تقویت آن برای‏ آینده،گام‏های برداریم،اما فراموش نکنیم که مرغ همسایه غاز نیست و لازم است بدانیم:«هرگز نخارد پشت من جز ناخن‏ انگشت من».خلاصه این همایش با همه نقاط قوت و ضعفی‏ که داشت،بسیار عالی بود و نگارنده در پایان از تمام سخنرانان‏ و علاقه‏مندان و مجریان صمیمانه سپاسگزاری می‏کند و ضمن‏ عذرخواهی از مجریان تلاشگر،تحفه‏ی خود را-که برگ سبزی‏ بیش نیست-تقدیم می‏نماید.

با اندوه بسیار،درگذشت دوست ارجمند،با فضیلت و متدین‏ شادروان حسین یوسفی از صاحب منصبان عالی‏رتبه‏ بازنشسته‏ی وزارت دارایی و ریاست هیأت مدیره‏ی انجمن‏ همدانی‏های مقیم مرکز و نماینده‏ی اسبق مجلس شورای‏ ملی از همدان را به همسر و فرزندان ارجمند و جمیع‏ بازماندگان محترم تسلیت عرض می‏کنیم.

حسن امین-عبد العلی دهستانی-محمد علی رفعت جاه- حسن رهبر-رحیم زهتاب فرد-علی اکبر سبحانی- رضا سجادی-یحیی صادق وزیری-علی اکبر صادقی‏ عبد الحسین طباطبایی-فضل اللّه کاسمی-محمد مشایخ‏ فضل اللّه معتمدی-حسین نجفی-قاسم نیلی-مسعود هدایت-حبیب اللّه هدایت

خاقانی‏ در مقبرة الشعرای تبریز

دکتر محمد رضا بیگدلی

خاقانی در تبریز وفات کرد و در کوی سرخاب دفن شد.در این‏ مقبره،افراد مشهوری از علما و فقها و صوفیه به خاک سپرده شدند و از مقابر معروف آن‏جا سید حمزه و میرزا عیسی قائم مقام و مقبره یا حظیره‏ی بابا حسن است که کنار مقبرة الشعرا قرار دارند که‏ این مقبره از حوالی سید حمزه شروع شده و تا مزار بابا حسن به طرف‏ شمال می‏رفته است.

اما نام مقبرة الشعرا تا پیش از قرن هشتم هجری قمری در کتب‏ تواریخ و تذکره نیامده و درباره‏ی شاعرانی که تا آن زمان در آن‏جا دفن‏ شده‏اند،نوشته‏اند که در کوی سرخاب مدفون‏اند و از قرن ششم که‏ شاعرانی معروف چون خاقانی و ظهیر در آن‏جا دفن شده‏اند این مقبره‏ شهرت بیش‏تری یافته و از قرن دهم به بعد همه‏ی کتب به نام‏ «مقبرة الشعراء»اشاره کرده‏اند.

به مناسبت زلزله‏های پیاپی در شهر تبریز مخصوصا در سال‏های‏ 1193 و 1194 هـ.ق مقابر شاعران به کلی ویران شده و از بین رفته‏ و اثری از آن‏ها بر جای نمانده،به این جهت قرار شد بنای یادبودی‏ به نام شاعران در محل مقبرة الشعراء ساخته شود که ساختمان این‏ بنای عظیم،آغاز و به اتمام رسیده است.

نخستین شاعری که در آن‏جا دفن شده،اسدی طوسی(متوفی‏ 465 هـ.ق.)است.پس دفن شاعران در آن گورستان و در محله‏ی‏ سرخاب از قرن پنجم هجری قمری آغاز شده و گفتیم که تا قرن‏ هشتم از مقبرة الشعراء به صورت خاص نام نبرده و فقط نوشته‏اند که‏ در گورستان سرخاب دفن شده است.پس از اسدی طوسی دوازده‏ شاعر دیگر تا قرن دهم در مقبرة الشعراء دفن شده‏اند که به ترتیب‏ عبارتند از:

قطران تبریزی(متوفی بعد از 465 هـ.ق.)خاقانی شروانی‏ (متوفی 595 هـ.ق.)،ظهیر الدین فاریابی(متوفی 598 هـ.ق.)، شمس الدین سحابی(متوفی حدود 602 هـ.ق.)،مجیر الدین بیلقانی‏ (متوفی 856 هـ.ق.)،ذو الفقار شروانی(متوفی 689 هـ.ق.)،همام‏ تبریزی(متوفی 714 هـ.ق.)،مغربی تبریزی(متوفی هـ.ق.)، مانی شیرازی(مقتول به سال 913 یا 914 هـ.ق.)،لسانی شیرازی‏ (متوفی 940 یا 941 هـ.ق.)،شکیبی تبریزی(متوفی 901 هـ.ق.)که‏ آخرین شاعر مدفون در مقبرة الشعرا تا قرن دهم هجری‏ست.

بنابراین سیزده شاعر در آن خاک پاک مدفون شده‏اند.اینک‏ شهریار چهاردهمین شاعر سخنوری‏ست که در آن‏جا مدفون شده‏ است و روی در نقاب خاک کشیده،و خاک بر آن بزرگ خوش باد.